

عبدالله میرزا دارا و سبک بازگشت

بهاره جلایر^۱
عباسعلی وفایی^۲
رحیم طاهر^۳
ملک محمد فرخزاد^۴

چکیده

عبدالله میرزا دارا، یکی از شاهزادگان قاجار و از جمله شعرای قرن سیزدهم هجری است. وی از فرزندان خوش ذوق فتحعلی شاه بود که در عصر خویش به عنوان شاعر شناخته می‌شد. دارا، شاعر دوره‌ی بازگشت است. زبان قصاید او به شعرای قرن چهار و پنج و غزلیاتش به زبان سعدی و حافظ شباهت دارد. مضامین قصایدش مدحی و غزل‌هایش عاشقانه است. نعت‌ها و مرثیه‌های مذهبی دارا، وی را از شاعران هم عصر خویش ممتاز می‌کند. برخی از مرثیه‌های وی به زبان ترکی است. این مقاله ضمن بیان احوال دارا و معرفی آثارش، ویژگی‌های سبکی شعر وی را نیز بررسی می‌نماید تا جایگاه شعر او در میان شاعران دوره‌ی بازگشت نمایان شود. در نهایت می‌توان گفت که او اگرچه از شاعران سرآمد این مکتب به حساب نمی‌آید، اما نباید از نظر دور داشت که دیوان وی خالی از اشعار زیبا و تاثیرگذار نیست. لازم است ذکر شود که دیوان عبدالله میرزا دارا تاکنون تصحیح نشده بود و این مقاله برگرفته از اولین تصحیح دیوان وی که توسط نگارنده صورت گرفته است.

کلید واژه‌ها: عبدالله میرزا، مکتب بازگشت، سطح فکری، سطح ادبی و سطح زبانی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. bjalayer12@gmail.com

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده‌ی علوم انسانی، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسوول). a-a-vafaie@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران. rahimtaher50@gmail.com

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران. mmfzad@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری اولیه‌ی مکتب بازگشت در ادوار افشاریه و زندیه به وقوع پیوست و در دوره‌ی قاجاریه به صورتی معنادار ادامه یافت. زبان شعر در این دوره عموماً تتبع و تقلیدی از دو سبک خراسانی و عراقی بود؛ بنابراین بازگشت به زبان پیشینان، مطالعه و تحقیق در دیوان‌های شعرای سلف را ایجاب می‌کرد. منابع سبک‌شناسی مَهر تقلید بر پیشانی شعرای این دوره زده‌اند و همین امر سبب بی‌توجهی نسبت به بزرگان این دوره گردیده است. در عین حال به نظر می‌رسد اولین مطالعات سبک‌شناسی در ایران ریشه در تحقیق و تتبع آثار ادبای این دوره دارد؛ چرا که گویندگان این دوره جهت توفیق در تقلید ملزم به دقت بسیار در تمامی ریزه‌کاری‌های زبانی، فکری و ادبی آثار پیشینان بودند. به همین دلیل نمی‌توان از نقش مثبتی که این جریان ادبی ایفا کرده چشم پوشید.

در این دوره شاهان، شاهزادگان، وزرا و حتی برخی از مجتهدین در کار شاعری بودند و شعرا غالباً مناصب درباری داشتند. لازمه‌ی حضور در دربار، داشتن زبان و سبکی در خور دربار بود و عبدالله میرزا دارا، واجد استعداد ذاتی، ذهنی و زبانی و جایگاهی بود که برای او فرصت درخشش فراهم می‌آورد. او از شاهزادگان قاجار بود؛ پس شاعری برای وی شغل محسوب نمی‌شد. لذا مهم‌ترین قصد وی از سرودن شعر آن بود که گوهر شاعری و استعداد درونی خود را تالّو بخشد.

در این جستار، به تناسب موضوع، روش کار توصیفی و تحلیلی است. پس از ذکر مختصری از حوادث زندگی، اخلاق و مذهب دارای قاجار، ممدوحان و آثار او معرفی می‌شوند. سپس به شرح مختصری در باب دوره‌ی بازگشت ادبی و ویژگی‌های سبکی دارا پرداخته؛ آن را از منظر فکری، ادبی و زبانی بررسی می‌نماییم.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی شعر دوره‌ی بازگشت پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است. از جمله: مقاله‌ی بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره که در سال ۱۳۸۷ توسط اکبر شاملو و کاظم دزفولیان نوشته شده و صفحات ۹۰ تا ۱۰۲، شماره ۵۹/۳ مجله‌ی تاریخ ادبیات (پژوهشنامه‌ی علوم انسانی) را به خود اختصاص داده.

در باب ذکر جایگاه شعرای این دوره در مقایسه با شعرای سلف نیز پژوهش‌های شایسته‌ای صورت گرفته. منابع زیر نمونه‌ی کوچکی از ده‌ها تألیف در این زمینه هستند:

عبدالله میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۱۱۱۱۱

مقاله‌ی تاثیرپذیری سبکی نظیری از حافظ، که در سال ۱۳۹۰ توسط محمد مشهدی نوشته شده و در شماره ۲/۲ مجله‌ی کهن ادب فارسی چاپ شده است.

مقاله‌ی ساختار زبانی سبک خراسانی در قصاید سروش اصفهانی که در سال ۱۳۹۴ توسط محمدرضا نجاریان و فاطمه عابدینی نوشته شده و در شماره‌ی ۵/۷ مجله‌ی علوم ادبی به چاپ رسیده است. مقاله‌ی سحاب نی‌ریزی، شاعر ناشناخته‌ی دوره‌ی بازگشت که به وسیله‌ی مختار کمیلی در سال ۱۳۹۷ به رشته‌ی تحریر درآمده و در شماره‌ی ۱۰/۳ مجله‌ی متن‌شناسی ادب فارسی به چاپ رسیده است.

مقاله‌ی شیبانی و بازگشت که توسط علیرضا نظری در سال ۱۳۸۸ نوشته شده و در شماره‌ی ۱/۳ مجله‌ی پژوهشنامه‌ی زبان و ادبیات فارسی چاپ شده است.

مقاله‌ی فروغی بسطامی و غزل بازگشت که به وسیله‌ی عبدالعلی اویسی کهفا در سال ۱۳۹۰ نوشته شده و در شماره‌ی ۹/۱۶ مجله‌ی پژوهشنامه‌ی ادب غنایی به چاپ رسیده است.

مقاله‌ی نقد و بررسی سبک زبانی نشاط اصفهانی که به وسیله‌ی امین رحیمی و امین رضایی در سال ۱۳۹۴ نوشته شده و در شماره‌ی ۵/۸ مجله‌ی علوم ادبی به چاپ رسیده است.

با توجه به اینکه نسخه‌ی دیوان عبدالله میرزا دارا قبل از پژوهش نگارنده، تصحیح و چاپ نشده لذا در این زمینه تحقیقی نیز صورت نگرفته است. تنها در تذکره‌های ذیل، در باب معرفی وی مطالب مختصری ذکر گردیده:

-تاریخ عضدی اثر احمد میرزا (عضدالدوله) قاجار، تذکره‌ی خاوری اثر فضل‌الله حسینی شیرازی خاوری، تاریخ ذوالقرنین اثر میرزا فضل‌الله شریفی ذهبی خاوری، سفینه‌المحمود اثر محمود میرزا قاجار، نسخ‌التواریخ اثر محمدتقی سپهر، تذکره‌ی انجمن خاقان اثر فاضل‌خان گروسی، تذکره‌ی دلگشا اثر علی اکبر نواب شیرازی، شرح رجال ایران اثر مهدی بامداد، تاریخ منتظم ناصری اثر محمدحسن اعتمادالسلطنه، تاریخ نو اثر جهانگیر میرزا، مجمع الفصحا اثر رضاقلی خان هدایت، اکسیر التواریخ اثر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، جلد سوم کتاب اثر آفرینان اثر محمدرضا نصیری، مکارم الآثار اثر محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، تذکره‌ی نگارستان دارا اثر عبدالرزاق بیگ‌دنبلی و کتاب گلشن محمود اثر محمود میرزا قاجار.

۱۲۱۲ // دوصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۱- معرفی عبدالله میرزا دارای قاجار

۱-۱- تاریخ، محل تولد، نام، نسب و تخلص

عبدالله میرزا در ۲۴ جمادی الاول سال ۱۲۱۱ ه.ق. در شیراز به دنیا آمد. (حسینی شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۴؛ قاجار، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵؛ قاجار، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹).

نام مادر او را کلثوم خانم (سپهر، ۱۳۷۷، ۱/۵۵۵) یا مستوره‌ی لال آبادیه از اهالی مازندران ذکر کرده‌اند (شریفی ذهبی، ۱۳۸۰، ۲/۹۸۴). مادر وی از سلسله‌ی سادات بود (قاجار، ۱۳۷۶، ص ۸۶) و مورد احترام همگان؛ پس از درگذشت فتحعلی‌شاه نزد محمدشاه احترامش کاملاً حفظ شد. (همو، ص ۱۶۵).

وی با تخلص دارا شعر می‌سرود. سبب برگزیدن این تخلص در منابع و اشعار او ذکر نشده است. (نواب شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۷؛ سپهر، ۱۳۷۷، ۱/۵۳۱).

۲-۱- تحصیلات

عبدالله میرزا دو ساله بود که فتحعلی‌شاه به سلطنت رسید. او تا سیزده سالگی در دربار مشغول آموختن علوم و فنون مرسوم بود و در حضور اساتید آنچه را که برای شاهزادگان ضروری بود، می‌آموخت. (گروسی، ۱۳۷۶، ص ۶۹). با بررسی دیوان دارا می‌توان نتیجه گرفت که سرچشمه‌ی دانش ادبی وی حاصل ممارست او در قرائت دقیق متون ارزشمند گذشته است، از علم هیئت و نجوم بهره برده، تاریخ نیز می‌داند.

۳-۱- حکومت و جنگاوری

فتحعلی‌شاه در ماه صفر سال ۱۲۲۴ ه.ق. عبدالله میرزا را به حکمرانی شهرهای: خمسه، سجاس، سهرورد، ابهر و سلطانیه برگزید. وی آن زمان سیزده سال بیشتر نداشت. شاه، میرزا محمدتقلی علی‌آبادی را که از خواص دربار و منشی رسائل خاصه بود به وزارت او برگزید. او ده سال در زنجان در خدمت شاهزاده بود. (شریفی ذهبی خاوری، ۱۳۸۰، ۱/۲۹۸).

در سال ۱۲۲۶ ه.ق. در دومین سال حکومت عبدالله میرزا در زنجان، آرامگاه ارغون خان، یکی از شاهان ایلخانی، در دامنه‌ی کوهی واقع در سجاس به صورتی تصادفی به وسیله‌ی مردم کشف شد. عبدالله میرزا پس از صدور فرمان حفاری، تمام اشیاء طلایی و جواهر نشان مکشوفه را به رسم

عبدالله میرزا دارا و سبک بازگشت ۱۱۳۱

سرسپردگی و وفاداری به فتحعلی شاه تقدیم کرد. در سال ۱۲۳۷ هـ.ق در جنگ ایران و عثمانی با فرمان فتحعلی شاه، فرماندهی سربازانی از استرآباد، دامغان و سمنان را به عهده گرفت. به سمت عراق حرکت کرد و فتوحاتی به دست آورد؛ اما با شیوع وبا در میان لشکریان، سربازانش پراکنده شدند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ۱۵۵۲/۳؛ بامداد، ۱۳۵۷، ۲/۲۹۳).

در سال ۱۲۴۱ هـ.ق. در جنگ دوم ایران و روس، جهت همراهی با عباس میرزا برای راندن حاکم قره‌باغ راهی اردبیل شد. در سال ۱۲۴۲ هـ.ق. اهالی زنجان شکایت عبدالله میرزا را نزد شاه بردند. فتحعلی شاه او را معزول کرد؛ اما پس از چندی دوباره به منصب خویش بازگشت. تاریخ نو در این زمینه می‌گوید: «شاهزاده عبدالله میرزا یک صد و بیست هزار تومان پیشکشی در خدمت خاقان گذرانیده دوباره منصوب به حکومت خمسه شد.» (جهانگیر میرزا، ۱۳۴۳، ص ۱۲۱).

تاریخ برکناری مجدد او از حکومت معلوم نیست اما آنچه مسلم است این است که در سال ۱۲۵۰ هـ.ق. حکومت زنجان در دست فتح‌الله میرزا شعاع‌السلطنه قرار داشت و در این سال عبدالله میرزا در کنار فتحعلی شاه در اصفهان به سر می‌برد. ناگفته نماند این معیت و همراهی تا پایان عمر شاه ادامه داشت. (سپهر، ۱۳۷۷، ۲/۶۱۶).

ناسخ التواریخ سرگذشت عبدالله میرزا را پس از درگذشت شاه چنین روایت می‌کند: «چون فتحعلی شاه چشم از جهان بر بست. شاهزاده عبدالله میرزا آهنگ زنجان و اراضی خمسه نمود، شاید که آن محل را از تخت حکومت فتح‌الله میرزا، شعاع‌السلطنه بیرون آورد و زمام ملک به دست گیرد.» (همو، ۵۹۸/۲). اما بعد از جلوس محمد شاه قاجار، شعاع‌السلطنه در مقام خویش ابقا شد.

دارای قاجار در دوره‌ی محمد شاه از کارهای حکومتی کناره گرفت؛ همه‌جا همراه شاه بود و در لشکرکشی محمدشاه به هرات شرکت داشت. پس از فوت محمد شاه در سال ۱۲۶۴ هـ.ق. و عزیمت ناصرالدین شاه از تبریز به تهران، عبدالله میرزا دوباره به حکومت زنجان رسید. (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰، ص ۴۵۶؛ بامداد، ۱۳۵۷، ۲/۲۹۳؛ هدایت، ۱۳۸۲، ۱/۱۱۱).

۱-۴- ازدواج و فرزندان

عبدالله میرزا در سال ۱۲۲۶ هـ.ق. با دختر سلیمان خان اعتضادالدوله‌ی قاجار ازدواج کرد.

۲۱۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

تاریخ ذوالقرنین و تاریخ عضدی عدد فرزندان او را ۱۹ دختر و ۹ پسر ذکر نموده‌اند. (شریفی ذهبی، ۱۳۸۰، ۱۱۰۵/۲؛ قاجار، ۱۳۷۶، ص ۲۲۶). اما در مکارم الآثار فرزندان وی را ۲۰ پسر و ده دختر نوشته‌اند. (معلم حبیب آبادی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۸).

۱-۵- مذهب

از شواهد و قراین شعری و تاریخی چنین برمی آید که عبدالله میرزا بر مذهب شیعه‌ی اثنی عشری بوده است. مرثی او علاوه بر تأیید این عقیده بیانگر عشق وی نسبت به اهل بیت (ع) است.

۱-۶- خلق و خو

در کتاب تاریخ عضدی، عبدالله میرزا، شاهزاده‌ای ادیب، بذله گو، صریح و نکته‌سنج معرفی شده است. به سبب این خصایص همواره مصاحب پدر بود و هرگاه فتحعلی شاه اندوهگین می شد، وظیفه داشت تا تکدر خاطر وی را رفع نماید. جمله‌های قصار عبدالله میرزا که حاصل تیزبینی او بود، در آن زمان مورد توجه محافل بزرگان قاجار قرار می گرفت. (قاجار، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲).

در تذکره‌ی نگارستان دارا، عبدالله میرزا، چنین توصیف شده: «ملک زاده‌ای است سنجیده، صاحب تمکین و وقار، عمارت‌ها در آن دیار ساخته و در اصل شهر زنجان دکاکین واسواق پرداخته و نه‌ری جاری کرده، قصری به اوج سپهر برین افراخته مشهور به منظر دارا. دیدارش دلکش و رفتارش خوش است. حضرت شاهنشاه التفات بسیار به او دارد و نمک‌خوان خاقانش می فرماید. با برادرانش جدا جدا مهربانی ورزد و از وفا و محبت آشکارا، دل‌های برادران را به محبت خود گرم سازد. طبعش مایل به شکار است و صید و در بلوک طارم، رشک طارم انجم است. در نظم قدرتی کامل دارد و صاحب دیوان است. در این سال‌ها شرف حضورش حاصل شد، اشتیاق و الطاف بسیار در حق حقیر ظاهر فرمودند.» (دنبلی، ۱۳۴۲، ص ۳۰).

با توجه به تعداد زنان عقدی و غیرعقدی فتحعلی شاه و داشتن خانواده‌ای بزرگ، عبدالله میرزا به عنوان فرزند سیزدهم مراوداتی با اعضای خاندان داشت. سفینه‌المحمود مهربانی وی را با خانواده تأیید می نماید (قاجار، ۱۳۴۶، ص ۳۳). شریفی ذهبی خاوری در تاریخ ذوالقرنین حوزه‌ی ارتباط‌های او را منحصر به خانواده نمی داند و می نویسد: «مؤلف را در دو روز ایام هفته، روزی با وزرا و ارباب مناصب و روزی با ادبا و اصحاب مصاحب رفیق نمود.» (شریفی ذهبی خاوری، ۱۳۸۰، ۹۸۴/۲).

۱-۷- وفات

تاریخ دقیق وفات عبدالله میرزا مشخص نیست. تاریخ عضدی مرگ او را با مرگ میرزا عباس هزار جریبی، شاعر هزل پرداز عصر قاجار، معروف به نشاطی خان (در گذشته در سال ۱۲۶۲ ه.ق.) مقارن می‌داند و می‌نویسد: «چون خبر مرگ دارا را به محمدشاه دادند گفت اگر از مرگ نشاطی خان، نشاطی دست نمی‌دهد از مرگ دارا بیم هلاک داشتم.» (قاجار، ۱۳۷۶، ص ۸۸) اما نسخ التواریخ بر سال ۱۲۶۳ ه.ق. صحه می‌نهد. (سپهر، ۱۳۷۷، ۸۹۴/۲). در عین حال رضا قلی خان هدایت در مجمع الفصحا تاریخ وفات وی را سال ۱۲۷۰ ه.ق. می‌داند. (هدایت، ۱۳۸۲، ۱۱۱/۱).

۱-۸- آثار عبدالله میرزا دارا

آثاری که از وی باقی مانده عبارتند از:

* **دیوان اشعار:** شامل ۶۲ قصیده، ۳۳۱ غزل، ۲۳ مثنوی، ۴۰ قطعه، ۲ مخمس، ۱۲۵ رباعی و ۳۵ مفرد. دو غزل نیز به زبان ترکی دارد.

مجموع ابیات دیوان شعر دارا در تصحیح اخیر که به وسیله نگارنده انجام شده ۵۹۴۱ بیت است.

* **دیوان مراثی:** معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار، دیوان مراثی را از دیگر آثار دارا برمی‌شمارد. (معلم حبیب آبادی، ۱۳۶۴، ۳۹۸/۲).

در نسخه‌های مورد بررسی این مقاله، در دو نسخه‌ی مجلس و آستان قدس ۴۲ مرثیه و نوحه‌ی فارسی و ۸ مرثیه و نوحه‌ی ترکی وجود دارد که توسط نگارنده تصحیح شده است. نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی فاقد مراثی و نوحه‌هاست.

* **مثنوی گل نامه:** این مثنوی ۹۸ بیت است که آن را با کمک برادرش، محمد میرزا افسر سروده است. مضمون این مثنوی روایت احوال فردی کچل است. نگارنده در کنار تصحیح دیوان، آن را نیز تصحیح و ضمیمه کرده است.

* **بساط نشاط (قانون):** این اثر به نثر است و فحوای آن هزل‌گونه و مطایبه‌آمیز؛ که در سال ۱۲۶۱ ه.ق. نوشته شده است. کاتب آن به خط خوش، شهاب‌الدین طباطبایی است. این کتاب در کتابخانه‌ی مجلس موجود است.

۱۶۲۱۱ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۱-۹- ممدوحان عبدالله میرزا

ممدوحان دارا دو دسته‌اند:

گروه اول: بزرگان دین چون پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع). عشق وی بر خاندان رسول (ص) در اشعار او کاملاً مشهود است. در خلال مرثیه‌های فارسی و ترکی دارا می‌توان به نظاره‌ی واقعه‌ی عاشورا نشست. در قصاید نیز رد پای ستایش و ادای احترام قلبی دارا به معصومین (ع) و استعانت از آنها در حکم شفیع دیده می‌شود.

گروه دوم: اعضای خانواده (ی سلطنت) که البته بیشترین مدح سرایی عبدالله میرزا به پدرش فتحعلی شاه تعلق دارد. شاه قاجار مضمون همیشگی قصاید، قطعه‌ها و غزلیات اوست. گاه تیر و کمان او را می‌ستاید و گاه ورود او را به سلطانیه ارج می‌نهد. آنجا که قصرها و عمارت‌های خود ساخته را توصیف می‌نماید به شوکت و جلال پدر گریز می‌زند. گاه از پدر گله‌مند است و از این که از منصبش عزل شده شکایت می‌کند.

دارای قاجار، محمد شاه، پسر عباس میرزا را نیز که بعد از فتحعلی شاه به حکومت رسید مدح کرده. همچنین قصیده‌ای در مدح ناصرالدین شاه دارد.

سایر ممدوحان وی عبارتند از:

عباس میرزا، محمدعلی میرزا (دولت‌شاه)، علی شاه (ظل السلطان)، حسنعلی قاسم میرزا، حسین علی میرزا فرمانفرما، محمد میرزا، همایون میرزا، رکن‌الدوله علی نقی میرزا، حسام‌السلطنه محمدتقی میرزا، بهمن میرزا ملقب به بهاء‌الدوله، ضیاء‌السلطنه دختر هفتم فتحعلی شاه.

۲- دوره‌ی بازگشت ادبی

بازگشت ادبی در تاریخ ایران به دوره‌ای اطلاق می‌شود که شاعران ایرانی، ادامه‌ی دشوارگویی سبک هندی را به مثابه تیشه‌ای بر ریشه‌ی ادبیات فارسی در نظر گرفته، از تبعیت آن سرباز زدند. در عین حال به نظر می‌رسد شاعری در میان آنها نبود که به صفات «نوپردازی و خلاقیت» و «شجاعت و جسارت» متصف باشد. همان صفاتی که بعدها در دوره‌ی مشروطه در نیما یوشیج دیده شد که منجر به ارائه‌ی شیوه‌ای نوین در عرصه‌ی شعر گردید.

عبدالله میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۱۷

شاعران این دوره، دل زده از شگفتی‌های توصیفی و لغوی موجود در سبک هندی نه توان ادامه‌ی این سبک را داشتند و نه استعداد و جسارت ارائه‌ی طرحی نو. این بود که طبیعتاً به گذشته بازگشتند. شیوه‌ی قدیم را برگزیدند و بیش از آنکه به مقتضای حال و موقعیت خود در قالب‌های گذشته قلم بزنند، اکثر، چنان در وادی تقلید خود را گم کردند که کمتر شاهد حرفی نو یا پیامی جدید در این دوره هستیم. گویی در این دوره بر قامت ادبیات - که آینه‌ی تمام‌نمای جامعه است - غباری نشسته که بیش از آنکه دوران و روزگار شعرا را منعکس کند، نمایشی است تمام‌قد از گذشتگان.

بازگشت ادبی را به دو دوره می‌توان تقسیم کرد: «**دوره‌ی اول** از اواسط قرن دوازدهم هجری قمری آغاز شد و تا بخشی از اوایل قرن سیزدهم ادامه یافت. شاعران در قصیده و مثنوی از سبک شاعران قرن ششم، هفتم و هشتم پیروی کردند. **دوره‌ی دوم** از اواخر نیمه‌ی اول قرن سیزدهم آغاز شد که شعرا ضمن پیروی از سبک شاعران قرن‌های ششم، هفتم و هشتم هجری به شیوه‌ی شعرای سده‌ی چهارم و پنجم هم نظر داشتند. موضوع‌هایی که در دوره‌ی بازگشت به آنها توجه شده است، عبارت بودند از: توصیف، وعظ و اندرز، مدح، مرثیه و داستان‌های عاشقانه» (صفا، ۱۳۷۳، ص ۷۳).

این دوره را باید تلاشی در نفی سبک هندی - در جهت حفظ ارزش‌های ادبی به شیوه‌ی قدما - تلقی کرد. «سبک هندی در پایان عصر صفوی به سخافت دچار شد اما بازگشت از آن جهت ارزشمند بود که بخشی از جامعه‌ی ادبی قصد داشت در مقابل گذشتگان، خود را به اثبات برساند (غلامرضایی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲).

ادبیات دوره‌ی بازگشت، ادبیات تقلید بود و فاصله‌ای عمیق با شرایط و مناسبات عصر خویش داشت. «شاعر این عصر در حال و هوای همه کس سخن می‌گفت جز در حال و هوای خودش.» (لنگرودی، ۱۳۷۵، ص ۷۶).

در این دوره، گویی شاعران غالباً فاقد تجربه‌ی شخصی بودند. کار تقلید، فاصله‌ی میان شاعران و دنیای واقعی را افزون نموده بود. ادبیات کهن مقتدرانه بر ادبیات دوره‌ی بازگشت سایه افکنده، فاصله‌ی میان گذشته و حال را تشدید می‌کرد. شاعران این دوره از زمان خود عقب‌تر بودند. «شعرا برای اثبات فضل و برتری خود به مراجعه به دیوان‌های پیشینیان اکتفا نمی‌کردند بلکه سراغ دساتیر هم می‌رفتند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

ابن الوقت نبودن شعر بازگشت را نمی‌توان عیب آن شمرد زیرا باید اذعان کرد پیشتر این اتفاق در ادبیات ایران افتاده است. در سبک خراسانی که آغاز ادبیات فارسی بعد از اسلام است عناصر شاعرانه از زندگی خواص نشأت می‌گرفت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). پس طبیعتاً هرگز موفق به انعکاس کل جامعه نشد. از آنجایی که سواد نزد طبقه‌ی اشراف و درباریان بود و اکثر کسوت شاعری بر تن افراد سطح بالای جامعه، در شعر سبک خراسانی ردپایی از نحوه‌ی زندگی و طرز فکر طبقات فرودست جامعه نمی‌یابیم.

در سبک عراقی اگرچه شاخص‌های زندگی اشرافی افول کرد و فضای شعر برای عامه تلطیف شد اما فاصله‌ها از بین نرفت. سیطره‌ی ملکوت در شعر این دوره، پرداختن به زندگی عموم مردم را غیرممکن ساخت. حقیقت متعلق به جهانی دیگر بود. به همین دلیل بسیاری از واژه‌ها معنی مادی خود را از دست دادند. در عین حال قدرت حاکمه به سبب استبداد تامه شیوه‌ی گویش را به سمت «نمادین‌گویی» سوق داد. شرایط حاکم و محرومیت از جزئی‌ترین حقوق شهروندی از بسیاری از مردم «پناهندگان به مذهب و ملکوت» ساخت و نه افرادی مذهبی و ملکوتی.

بزرگان ادبیات ایران و جهان، همواره کوشش برای احیای گذشته را تقیح نمی‌کنند بلکه خطرات آن را گوشزد می‌نمایند. الیوت در این زمینه می‌گوید: «در حراست از یک سنت دیرین یا کوشش برای احیای یک سنت کهن همواره این خطر در میان است که عناصر اساسی را از غیر اساسی و واقعی را از وهمی تمیز ندهیم. خطر دوم آن است که سنت را به ایستایی تعبیر کنیم و آن را دشمن هرگونه تحول بینداریم. و یا سودای بازگشت به شرایط گذشته را در سر پیوریم که به پندار ما سزاوار جاودانگی بوده...» (الیوت، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

۲-۱- شعر در دربار قاجار

در دوره‌ی قاجار، به ویژه از زمان فتحعلی‌شاه، در مجالس رسمی دربار و اعیاد مذهبی و ملی مدیحه‌سرایی و ستایشگری - که در ادبیات ایران مسبوق به سابقه بود- احیا شد. خواندن دیوان‌ها جزو برنامه‌های روزانه‌ی شاهزادگان و پادشاهان قاجار بود. از میان هفت پادشاه این سلسله، چهار تن آنها شعر می‌سرودند؛ که عبارتند از: فتحعلی‌شاه، ناصرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه. از فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه دیوان شعر به جا مانده است. نام ده‌ها تن از شاهزادگان قاجار به عنوان شاعر با سروده‌هایشان در تذکره‌ها آمده است. (سهیلی خوانساری، ۱۳۲۸، ص ۲۴۹). در چنین شرایطی متاع

عبداسد میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۱۹۱۱۱

شعر، بالطبع خریدار فراوان داشت خصوصاً که موافق با محیط عیش و عشرت و متناسب با ایام آسایش توام با بی خبری پادشاهان این دوره بود.

۲-۲- جایگاه عبدالله میرزا در کسوت شاعری

از میان شعرای دوره قاجار، عبدالله میرزا در زمان ما چهره‌ای شناخته شده نیست. اما او در روزگار خود به عنوان یک شاعر مسلط به زبان فارسی و ترکی صاحب دیوان شناخته می‌شد. البته نام وی هرگز در ردیف شاعران نامداری چون قآنی، سروش اصفهانی، یغمای جندقی و فروغی بسطامی قرار نگرفت. او صاحب منصب بود و جهت ارتزاق نیازمند مدیحه‌سرایی نبود. اگرچه برخی اشعار او - خصوصاً آن زمان که از حکومت زنجان عزل گردید - نشان می‌دهد که مدیحه‌های او به منظور جلب نظر پادشاه وقت بوده؛ اما در نهایت نمی‌توان شاعری را منبع درآمد وی دانست.

او در تسلط بر الفاظ، زبان آوری و ذوق، از شاعران طراز اول قاجار محسوب نمی‌شود. زبان و مضمون قصاید او به شعرای قرن چهار و پنج شبیه است و در غزل به حافظ و سعدی می‌ماند اما باید اذعان کرد که در تقلید به اندازه‌ی شعرای برتر دوره‌ی بازگشت موفق نیست.

۳- سبک شعر عبدالله میرزا دارا

برای مشخص شدن ویژگی‌های سبکی شعر دارا، دیوان وی در سه سطح فکری، ادبی و زبانی - که ارکان سبک‌شناسی هستند - به شرح زیر، بررسی شد:

۳-۱- سطح فکری^۱

در دوره‌ای که عبدالله میرزا می‌زیست احوال دربار ایران دارای دوگانگی بود:

از یک سو: دربار فتحعلی‌شاه - که شیفته‌ی شعر و ادب بود - محفل برگزاری جلسات ادبی و شعرخوانی شد. طبیعتاً شعرا در چنین محافلی قصایدی مدحی می‌سرودند تا مورد تحسین پادشاه قرار گیرند. (شمیسا، ۱۳۸۰، ص ۳۰۶).

عبدالله میرزا نیز از این قاعده مستثنی نبود. کما اینکه از میان ۶۲ قصیده‌ای که سروده مضمون ۳۷ قصیده، مدحی است با حالتی برون‌گرا و آفاقی و البته عینی:

ای ز رُخت آشکار نور الهی ختم به احمد رسالت و به تو شاهی

1. Philosophical level

۲۲۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

بر تن تو آسمان نموده قبایی بر سرت از آفتاب کرده کلاهی

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۳۶۰ و ۳۵۹)

از سوی دیگر: این دوره زمانی است که ایران به سبب جنگ‌های فرسایشی با کشور روسیه و شکست‌های پی‌درپی ملزم به دادن غرامت‌های کلان شد و بار اقتصادی حاصله در قالب مالیات‌های سنگین گریبان اقشار مختلف جامعه را گرفت. (شمیسا، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷). وجود جنگ و گریزها در حال و هوای کل جامعه از جمله شعرا تأثیرگذار بود. تصور می‌شود بیشتر غزل‌های این دوره که با حال و هوای عارفانه سروده شده‌اند و انسان‌ها را به دنبال کردن «امید» نه در زمین بلکه در آسمان ترغیب می‌کنند متأثر از همین رویدادها باشد. دارای قاجار نیز مانند اکثر شعرای این دوره در دیوان، غزلیاتی دارد با حال با هوای درون‌گرا و ذهنی:

سلطنت‌گر طلبی گوشه‌ی میخانه‌گزین ملک‌دارای به جوی نیز نیرزد بر ما

ما غم عشق به شادی دو عالم ندهیم که شود خون، ز غمت این دل غم پرور ما

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۲۰۵۹ و ۲۰۵۸)

نکته‌ی دیگری که در دیوان دارا، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های سطح فکری سبک این شاعر قرار می‌گیرد توجه ویژه‌ی او به دین اسلام و مذهب شیعه‌ی دوازده امامی است. او مدّاح نبی اکرم (ص) و خاندان نبوت (ع) است:

شاهنشه دنیا و دین یعنی امام هشتمین آن مفخر اهل زمین، شاه خراسان بوالحسن

مهر سپهر ارتضا، بدر منیر اصطفای اسمش علی، رسمش رضا، ز آن رو قضا را داده تن

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۵۰۲ و ۱۵۰۱)

دارا، اعیاد مذهبی را مهم می‌داند و در قصاید خود به آن عنایت دارد:

تا آخر صیام بود روز عید فطر تا مهرگان خاصه شود اول بهار

عیدش بود مبارک و طاعت بود قبول خرسند از او پیمبر و خشنود کردگار

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۰۱۲ و ۱۰۱۱)

عبدالله میرزا نسبت به مسائل روز بی‌تفاوت نبوده است، چرا که قصایدی را به شرح مسائل تاریخی دوره‌ی خود اختصاص داده مانند قصیده‌ای با عنوان «در تصرف دارالسلطنه‌ی تبریز به دست روس‌ها» و یا اشاره به غوغای بیماری همه‌گیر وبا:

عبداسد میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۲۱۱۱۱

آتش سوزنده شد وبای ری، آنگه سوخت درودشت، هر چه بایر و مسکون
از سر البرز کوه تا دم باره مرده در افتاده از شماره بر افزون
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۷۵۹ و ۱۷۵۸)

۳-۲- سطح ادبی^۱

شعرای دوره‌ی بازگشت در انواع قالب‌های شعری، شعر می‌سرودند اما مرسوم‌ترین قالب‌های شعری این دوره قصیده و غزل است. معمولاً قصاید عصر بازگشت به زبان ساده سروده شده‌اند و صناعات ادبی در آنها چشمگیر نیست. غزل‌ها، اغلب، تلفیقی از غزلیات سعدی و حافظ هستند.

عبدالله میرزا هم اگر چه، چون سایر شعرا در همه‌ی انواع قالب‌های شعری (مثنوی، قطعه، مخمس، رباعی، مفرد، مرثیه و نوحه) طبع آزمایی کرده، اما اهتمام بیشتری به قصیده و غزل داشته است. عنصر ثابت در اشعار وی «مدح» است.

با وجود آنکه در شاعری مهارت و استادی قآنی را ندارد، اما او نیز زمانی که پا در وادی تقلید از منوچهری می‌گذارد، بی‌توفیق نیست:

گاه آن آمد که در کهسار و هامون از بهار رعد خندد قاه قاه و ابر گرید زار زار گریه‌ای این باغ
خنده‌ای آن ابر را گریان کند عاشق صفت گریه‌ای این باغ را خندان کند معشوق وار
(دارا، ۱۲۳۸، ب ۳۱ و ۳۰)

دارا در غزل بارها از سعدی و حافظ تأسی نموده، به عنوان مثال به پیروی از غزلی از سعدی با

مطلع:

شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اوّل شب در صبح باز باشد
(سعدی، ۱۳۸۹، ۲۸۴/۱)

چنین سروده:

شب وصل دوستداران عجب ار دراز باشد چو ز رخ نقاب‌گیری، در صبح باز باشد
تو مگو کز اوّل شب، در صبح باز باشد چو تو زلف خود گشایی، شب ما دراز باشد
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۲۹۳۳)

۲۲۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

و به تقلید غزلی از حافظ با مطلع:

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر
(حافظ، ۱۳۲۰، ص ۱۷۱)

اینگونه سروده:

ساقی بیار باده که باشد بهار عمر خرم ز روی دوست بود لاله زار عمر
کارم چگونه می شود اندر جهان که هست امیدوار این دل و ناپایدار عمر
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۳۲۷۵ و ۳۲۷۲)

در کل، اشعار دارای قاجار را می توان از منظر ادبی، شعرهایی به نسبت ساده و لطیف ارزیابی کرد. گاهی لابلای اشعار به اصطلاحات نجومی برمی خوریم:

سوزد از صولت قهرش به فلک وین نه عجب نسر طایر خود اگر طبع سمندر گیرد
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۴۸)

و یا؛

ز تیر جادوی او شد به چاه غم هاروت ز ذوق ابروی او گشت زهره را مشگر
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۷۲)

همچنین دیوان او سرشار است از تلمیحات، تلمیحاتی با رنگ و بوی مذهبی:

آن علت غایی جهان مفخر لولاک آن قاطع اشرار و آن قانع کفار
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۳۴۹)

و یا تلمیحاتی ملی - میهنی:

زند بر بحر خون شیرویه شبدیز سیاووش وش نیندیشد ز آذر
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۳۹۰)

ممدوح او در قصاید غالباً مبالغه آمیز وصف شده:

یگانه فتحعلی شه که گاه مداحیش مرا شده است قلم در بنان چون نی شکر
چو گاه رزم نهد تیر جانگزا به کمان چو در مصاف کشد تیغ آبگون از بر
هر آن چه طایر جان از خدنگ او بی بال هر آن چه نخل وجود از حسام او بی پر
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۸۱ و ۸۰، ۷۹)

عبداسد میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۲۳\|\|

زبان ادبی دارا مطابق با دیگر شاعران هم دوره‌ی وی است. در اشعار او انحراف‌های هنری خاص یا خلاقیت ادبی موجهی دیده نمی‌شود. البته در دیوان وی نمونه‌های فراوانی از مصادیق علم بیان دیده می‌شود که به عنوان نمونه ابیاتی حاوی استعاره و تشبیه ذکر می‌گردد:

ارغوان کان بدخشی کرده غارت گوییا کاین همه لعل بدخشی دارد اندر گوشوار
گرنه سوسن ده زبان در مدح شاهشنه چرا مردهانش از ژاله پر باشد، ز دُر شاهوار
(دارا، ۱۳۲۸، ب ۴۳، ۴۰)

از دیگر صنایع و آرایه‌هایی که در حوزه‌ی سطح ادبی مطرح می‌شوند نمونه‌هایی ذکر می‌گردد:

تضاد:

مرگ شده مشتری و ما همه بایع هر که چو ما بایع است باشد مغبون
پیر و جوان، بزرگ و خرد نداند نه به کنایه، نه استعاره، نه مضمون
گویند افیون، علاج زهر نماید زهر و بار را کجا علاج به افیون
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۷۸۴، ۱۷۸۳، ۱۷۸۲)

اسلوب معادله:

شیرند به زور و به هنر گر چه غزالند پیرند به عقل و به خرد، گر چه جوانند
سروند ولیکن همه چون ماه تمامند ماهند ولیکن همه چون سرو روانند
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۶۹۷، ۱۶۹۶)

حسن تعلیل:

تا تو ز آن لعل شکر خنده فروریزی قند بعد از این کس نخرد قند و شکر از بازار
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۳۲۴۹)

تضمین:

خواجه گو بگذار زین پس نام نیک شد به گوشم دُر سعدی گوشوار
نام نیکی گر بماندی ز آدمی به کزو ماند سرای زر نگار
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۹۴۶، ۱۹۴۵)

تقسیم ولف و نشر:

یک دست آن به زر، یک دست این به تیغ	این یک، بلای بحر و آن یک، فنای کان (دارا، ۱۲۹۳، ب ۶۰۳)
دستش به روز بزم، تیغش به گاه رزم	این ابر فرودین، آن باد مهرگان (دارا، ۱۲۹۳، ب ۶۱۶)
بر کنگره‌ش بین همین قرص ماه و مهر	این شمه‌ی رواق، آن چوب ناودان (دارا، ۱۲۹۳، ب ۶۲۴)

۳-۳- سطح زبانی^۱

با وجود اینکه همواره در باب سبک بازگشت ادبی، تقلید شعرا از سبک‌های خراسانی و عراقی مطرح است اما باید گفت زبان شعر در دوره‌ی بازگشت بیشتر تحت تأثیر شعر دوره‌ی عراقی است تا خراسانی؛ چرا که «شاعران خراسان گوی دوره‌ی بازگشت اهل عراق عجم بودند». (شمیسا، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶) و نه اهل خراسان.

زبان شعر دارای قاجار به طور حتم زیر سایه‌ی تبع از سبک عراقی در بستر عصری تعریف می‌شود که به مقتضای زمان و گردش دوران ویژگی‌های خاص خود را دارد.

دارا در عنفوان نوجوانی به حکومت زنجان می‌رسد. طبیعتاً از ابتدای طفولیت در دربار شاهی تحت تعلیم بوده، به اقتضای زمان تحصیل علم می‌کند و این دانش‌اندوزی تا آخر عمر وی ادامه پیدا می‌کند. به همین دلیل در دیوان او - برعکس برخی از هم‌عصرانش - غلط‌های دستوری کمتر دیده می‌شود. از آنجا که همواره یا در صدد جلب حمایت و اعتماد پدرش، فتحعلی‌شاه بود یا دیگر بزرگانی مانند محمد شاه، قسمت اعظم دیوان او به مدح اختصاص یافته. مدایحی که زبان آن حاوی غلو موجود در سبک خراسانی است و سرشار است از تلمیحاتی که حکایت دارند از حضور ذهن وی در ادغام کتب پیشینیان با آنچه به اقتضای حال می‌سراید.

در کل دیوان وی واژه‌های متداول عامیانه دیده نمی‌شود. ناگفته نماند زبان «کلنامه»ی دارا از این قاعده مستثنی است.

1 . Literally level

عبداسد میرزا دارا و سبک بازگشت ||| ۲۲۵

علاقه‌ی او به موسیقی سبب شده تا در دیوانش شاهد وجود اصطلاحات، ابزار و نواهای موسیقی باشیم:

وقت آن است که گه بربط و گه چنگ زنی تو زنی چنگ و زنم من به سر زلف تو چنگ
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۰۹۶)

همچنین حضور وی در چند چنگ و آگاهی او از فنون نظامی مسبب ورود اصطلاحاتی از این دست در شعر وی شده:

آن جنگجو که طعن‌ی رمحش به روز چنگ بس طعن‌ها به رستم و اسفندیار داد
(دارا، ۱۲۳۸، ب ۱۱۲)

وجود واژگان و عبارات عربی در دیوان وی چندان مشهود نیست اما اشعاری به ترکی دارد که نشان‌دهنده‌ی تسلط کامل او به این زبان است.

ارادت او به مذهب شیعه و ائمه‌ی اطهار (ع) بسیاری اوقات زبان شعر دارا را به سمت نوحه و مرثیه کشانده.

زبان شعر دارا در غزلیاتش تلفیقی است از تقلید او از سعدی و حافظ و طبعاً سرشار است از حال و هوای عاشقانه و اصطلاحات عارفانه.

مثنوی‌های دارا که با بیت:

بشنوید از آتش شور فراق بشنوید از سوز درد اشتیاق
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۴۷۲۵)

آغاز می‌شود، به طور حتم، یادآور نی‌نامه‌ی مولاناست و زبان او در این قالب تعلیمی است. اما زبان قطعه‌های دارا بیشتر بار مدحی دارد.

در ادامه به برخی از ویژگی‌های زبانی اشعار عبدالله میرزا در سه بخش مختصات آوایی، لغوی و نحوی می‌پردازیم.

۲۲۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

۳-۳-۱- مختصات آوایی^۱

* **الفِ اطلاق:** الف زایدی که در آخر اسم، فعل و حرف در دوره‌ی سامانی می‌آوردند. در دوره‌ی بازگشت به تقلید از سبک خراسانی مجدداً مرسوم شد. (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷).

در آن شهری که خُم‌ها بشکنند / بیاید دل از آن جا بر کنند
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۲۲۱۲)

* **ابدال:** تبدیل حرفی به حرف دیگر است؛ که در واقع فرآیندی است واجی:

همیشه تا که بریزد ز شاخ برگ چنار / همیشه تا که بروید ز خاک سیسمر
(دارا، ۱۲۳۸، ب ۱۰۳)

* **افزون حرفی به کلمه:** (ه) زاید به آخر قوافی مختوم به الف افزوده شده است:

آری این روزگار شطرنج است / در شط رنج ما کنیم شنانه
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۳۶۵)

* **تغییر مصوت:** که از اختیارات زبانی و عروضی شاعر است:

قصه‌ی آن زن و آن بیژن و چه بشنیدی / گویا باز بین، اینت چه و این بیژن
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۵۶۴)

* **وفور آرایه‌های لفظی:** این امر جزو مختصات آوایی محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، نمونه‌ای از جناس ذکر می‌شود:

در خشم و رضا همچو زمانند و زمینند / و ز نطق و دهن همچو یقینند و گمانند
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۶۹۹)

و نمونه‌ای از ترصیع:

مشکین خط و شیرین سخن و غالیه زلفند / سیمین بر و زرین کمر و موی میانند
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۶۹۵)

۳-۳-۲- مختصات لغوی^۲

1. Phono stylistics

2. Stylistics of the word

عبداسد میرزا دارا و سبک بازگشت ||| ۲۲۷

* **کهن گرایی (آرکائیسیم):** استفاده‌ی لغات کهن نزدیک به زبان پهلوی که از ویژگی‌های سبکی در سطح لغوی محسوب می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۴) در شعر دارا دیده می‌شود:

ابر نیننی مگر به گریه هم ایدر رعد نیابی مگر به ناله هم ایدون

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۷۷۰)

* **استفاده از لغات عربی:** واژگان عربی در کل دیوان دارا به صورت پراکنده به چشم می‌خورند و میزان کار برد آنها روند طبیعی زمانه‌ی عبدالله میرزا را طی می‌کند. تنها در قصیده‌ای که در مدح ائمه‌ی هدی (ع) سروده، کلمات قافیه را از واژگان دشوار عربی انتخاب کرده است؛ واژگانی چون: هزیع، تضحیح، کمیح، نزیع و....

۳-۳-۳- **مختصات نحوی^۱**

* **استفاده از حرف اضافه‌ی مضاعف:** در برخی ابیات دیوان دو حرف اضافه برای یک متمم آورده شده:

ور به خواب اندر ببیند خصم رمحش را به شب هر سر مویش شود خاری و هر خاری شرار

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۸۷۸)

* **استفاده از ضمیر همراه با که:**

در بهار مدح تو کت گل برویانم ز کلک نی عجب چون در بهاران از حطب روید سمن

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۲۹۵)

* **آوردن واو عطف در آغاز کلام:**

و آن سگ چوپان نگر، با توهمی جفت شد ورنه کجا گله را، گرگ به آسان برد؟

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۹۱۰)

* **مقدم داشتن «می» بر نون نفی:**

جمله معزول‌اند و منصوب، از چه آمد خصم من؟ جز به داور می نخواهم برد من، این داور

(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۶۱۹)

* **آوردن فعل نفی با باء تاکید:**

۱۱۱۲۲۸ // دو ضلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

باش تا خون دل از دیده‌ی حاسد ریزم که نه بشناسد خون مژه را از قنقال
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۲۹۳)

*** استفاده از افعال کهن:** مانند آوردن فعل شد در معنی رفت که به کرات دیده می‌شود یا افعال دیگر مانند:

چو دست از آستین یازد به روز بزم در ایوان چو رخس تیز تک تازد به گاه رزم در هیجا
(دارا، ۱۲۳۸، ب ۴۶۰)

و یا مانند:

اگرچه یاد وصال انیس جان استی کجا به هجر توام زیستن گمان استی
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۴۴۴۶)

*** استفاده از رای فک اضافه:**

اهل ساری را خون گشته ز چشمان جاری که بدیدی شاه مرایشان را بر جای پدر
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۵۳۹)

*** بکار بردن «را» ی تاکید در معنی از بهر، برای:**

شاه ما را روزگاری خوشتر از هر شاه باد روز او چون عید باشد، عید او هر ماه باد
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۶۴۷)

آوردن «مر» قبل از مفعول:

نازد به جنان خطه‌ی تبریز ز خوبی تا شاه جهاندار مر او راست خریدار
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۷۱۳)

*** استفاده از افعال دعایی:**

تا خدا هست خداوند، میناد گزند تا جهان است جهاندار ندارد زوال
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۳۱۵)

*** کاربرد همی به جای می:**

من همی گفتم از غصه‌ی هجران و فراق او همی خوانندی از قصه‌ی دیدار و وصال
(دارا، ۱۲۹۳، ب ۱۲۵۶)

* استفاده از افعال پیشوندی:

افعال پیشوندی نظیر: درآمد، برآمد، بازشناخت، بازرسد، فراز کرد و... در اشعار دارا فراوان به کار رفته است.

نتایج مقاله

در میان دوره‌های شعر فارسی، عصر قاجاریه را دوره‌ی بازگشت ادبی نام نهادند. زیرا شاعران این دوره در شعر و ادب تحولی ایجاد کردند و سبک شعر استادان قدیم را که متروک مانده بود، از نو تجدید نمودند. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر بازگشت ترک مضامین باریک‌اندیشانه و دور از ذهن سبک هندی و بازگشت به مضامینی چون مدح پادشاهان، وصف طبیعت، ستایش بزرگان دین، توصیف معشوق و... بود.

در عین حالی که گریز از تعقید زبانی، گویش شاعران این عصر را به زبان ساده متمایل می‌گرداند اما عبدالله میرزا در چندین قصیده با بکار بردن اصطلاحات نجومی و آوردن قافیه‌های دشوار، پیچیدگی خود ساخته‌ای را به زبان شعریش تحمیل می‌نماید که به نظر می‌رسد بیشتر به قصد اظهار فضل و مقابله با شاعرانی چون قآنی است. سخن وی نشان می‌دهد که دیوان اشعار بزرگان را دقیقاً مطالعه کرده اما در تقلید و تتبع از آنها در زمره‌ی سرآمدان دوره‌ی بازگشت محسوب نمی‌شود. شاید به همین سبب است که آثار او تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته است. وی در غزل بیشتر مقلد سعدی و حافظ است و زبان قصیده‌های او به شعرای قرن چهار و پنج تشبّه می‌کند. توجه دارا به قصیده به سبب ظرفیتی است که این قالب برای مدح دارد. با مطالعه‌ی آثار شعری عبدالله میرزا به روشنی می‌توان دریافت: اگرچه او از شاعران طراز اول مکتب بازگشت نیست اما در میان شاهزادگان قاجار، ذوق شعری ممتازی داشته است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که دارا اشعار زیبا و تاثیرگذاری نیز دارد.

۱۳۳۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره پنجاه و یکم

کتابشناسی

- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا. (۱۳۷۰). **اکسیر التواریخ**. تصحیح: جمشید کیانفر. تهران: ویسمن.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۷). **تاریخ منتظم ناصری**. تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- الیوت، تامس و اسکات، ویلیور. (۱۳۷۹). **دیدگاه‌های نقد ادبی**. ترجمه: فریبرز سعادت. تهران: امیر کبیر.
- بامداد، مهدی. (۱۳۵۷). **شرح رجال ایران**. تهران: زوار.
- جهانگیر میرزا. (۱۳۴۳). **تاریخ نو**. تصحیح: عباس اقبال آشتیانی. تهران: علمی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۲۰). **دیوان غزلیات**. به اهتمام: محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. تهران: زوار.
- حسینی شیرازی خاوری، فضل‌الله. (۱۳۷۹). **تذکره‌ی خاوری یا خاتمه روز نامه‌ی همایون**. تصحیح: میرهاشم محدث. تهران: زنگان.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگک. (۱۳۴۲). **تذکره‌ی نگارستان دارا**. تصحیح: دکتر عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: شرکت چاپ آذربایجان.
- سپهر، محمد تقی لسان‌الملک. (۱۳۷۷). **ناسخ التواریخ**. تصحیح: جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۹). **دیوان غزلیات**. به کوشش: دکتر خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۲۸). **حسان العجم قآنی**. مجله‌ی **یغما**، سال دوم (۱۹)، ص ۲۴۹-۲۵۳.
- شرفی ذهبی خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله. (۱۳۸۰). **تاریخ ذوالقرنین**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). **زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی**. تهران: اختران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). **کلیات سبک‌شناسی**. تهران: فردوس.
- همو. (۱۳۸۰). **سبک‌شناسی شعر**. تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). **مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی**. تهران: ققنوس.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۱). **سبک‌شناسی شعر پارسی (از رودکی تا شاملو)**. تهران: جامی.

عبدالله میرزا دارا و سبک بازگشت ۲۳۱۱۱۱

- قاجار، احمد میرزا عضدالدوله. (۱۳۷۶). **تاریخ عضدی**. تصحیح: عبدالحسین نوایی. تهران: علم.
- قاجار، عبدالله میرزا دارا. (۱۲۳۸). **دیوان اشعار**. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس، شماره ۳۳۴۶۸
- همو. (۱۲۹۳). **دیوان اشعار**. نسخه‌ی خطی کتابخانه ملی، شماره ۶۳۶۵
- همو. (۱۳۴۶). **سفینه‌المحمود**. تصحیح: دکتر عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: موسسه‌ی تاریخ و فرهنگ.
- قاجار، محمود میرزا و قاجار، ملک ایرج میرزا. (۱۳۸۴). **گلشن محمود به ضمیمه‌ی تاریخ**
- ملکزادگان تخمه‌ی خاقان**. تصحیح: میرهاشم محدث. تهران: سفیر اردهال.
- گروسی، فاضل خان. (۱۳۷۶). **تذکره‌ی انجمن خاقان**. تهران: روزنه.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۵). **مکتب بازگشت**. تهران: مرکز.
- معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی. (۱۳۶۴). **مکارم الآثار**. اصفهان: نشر نفایس مخطوطات اصفهان.
- نواب شیرازی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). **تذکره‌ی دلگشا**. تصحیح منصور رستگار فسایی. شیراز: نوید شیراز.
- هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۸۲). **مجمع الفصحا**. تصحیح: دکتر مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.